امام خمینى و مقابله باترفندهاى رژیم ستمشاهى

انـقلاب اسـلامى ایـران بـه رهـبرى امام خمینى از آغاز حرکت خود، همواره با انـواع اتهامات، توطئه ها و ترفندهاى گوناگون از سوى رژیم و عوامل داخلى و خارجى آن مواجه بوده است.

    با شروع مرحله جدید نهضت اسلامى در سال ۱۳۵۶ که پس از رحلت آیه الله مصطفى خـمینى و بـه دنـبال تـوهین به امام خمینى با چاپ مقاله اى موهن تحت عنوان ((ارتـجاع سـرخ و سـیاه در ایـران)) در روزنـامه اطـلاعات آغـاز شد، دامنه اعـتراضات مـردمى عـلیه رژیم روز به روز افزایش یافت.  
  
    و رژیم که خود را از مـقابله بـا حـرکت عـمومى مردم عاجز مى دید، با هدف ایجاد اختلاف میان صفوف متحد مردم، جدایى بین رهبر نهضت و ملت، غیر اسلامى جلوه دادن حرکت اسلامى و در یـک کلام نجات رژیم از سقوط و فروپاشى، اقدام به روشهایى همچون اتهامات واهـى بـه انقلابیون، تغییر دولته، وعده هاى دروغین به ملت، اعتراف شاه به اشتباهات و توبه نمودن وى، تظاهر به دیندارى و...نمود.  
  
    امـام خمینى به عنوان رهبرى آگاه، با تدبیر، واقع بین و آینده نگر با آنکه سـالها در تـبعید و دور از ایـران بود، مسیر نهضت را به بهترین روش هدایت نـمود و در برابر تمامى نیرنگها و فریب هاى رژیم، مواضعى مناسب اتخاذ نمود به گونه اى که هیچ یک از اهداف پلید رژیم به موفقیت نینجامید.  
  
    ایـن نـوشتار درصـدد اسـت تا با بررسى انواع تشبثات رژیم، عکس العمل امام خـمینى در بـرابر آنـها و چـگونگى خنثى سازى توطئه هاى آنها توسط ایشان را تشریح کند.  
  
    ۱ بسط آزادى و دمکراسى رژیـم کـه در دوران خـفت بار خود همواره با اختناق، استبداد و تضییع حقوق اجـتماعى و فـردى مـردم، بـر جـامعه حکومت مى کرد، به منظور فرونشاندن خشم انـقلابى مـردم، تـوسعه آزادى و دمـکراسى در بخشهاى مختلف را اعلام و تبلیغ مى نماید که آنها را مى توان در موارد ذیل مورد بررسى قرار داد:  
    الف:آزادىهاى سیاسى:  
  
    بـه دنـبال اوجگیرى مبارزات انقلابى و پس از قیام مردم تبریز علیه رژیم که شاه به شدت تحت فشار قرار گرفته بود تصمیم به اعطاى آزادىهاى سیاسى گرفت، شاه در اسفند ماه ۵۶ در سخنانى گفت:  
  
    ((تـصمیم گـرفته ایم کـه در ایـران هـر چـه بـیشتر آزادىهـاى فردى به مردم بـدهیم.از ایـن آزادى مـمکن است کرمهاى پژمرده کهنه ارتجاع تا جوجه هاى پر درنـیاورده سـرخ سـو استفاده کنند و خود را به در و دیوار بزنند، ولى این حرکات مذبوحانه حتى یک لحظه در برابر ملت مصمم ایران تاثیرى ندارد.))!(۱)  
  
    و لایـحه اى که به منظور گسترش دمکراسى از طرف دولت به مجلس ارسال شده بود، در تاریخ ۵۷/۳/۲۳ به تصویب مجلس مى رسد.(۲)  
  
    هـمچنین نـخست وزیـر اعـلام مـى دارد:((لایحه تظاهرات در اجلاس آینده پارلمان تـقدیم مى گردد، اجتماعات و تظاهرات سیاسى قانونى مى شود همانطور که درباره فـضاى بـاز سیاسى صحبت مى شود به موازات آن نیز لایحه اى براى انجام تظاهرات به صورت قانونى تهیه شود.))(۳)  
  
    در ادامه اجراى نمایشنامه فوق در مورد اعطا آزادى توسط رژیم، حزب رستاخیز با انتشار بیانیه اى اعلام کرد:((قانون مطبوعات و اجتماعات باید چنان تغییر کند تا امکان رقابت بین انواع وسایل ارتباط جمعى برقرار شود، لایحه قانونى شـدن تـظاهرات و اجـتماعات سـیاسى بـاید در مـعرض قضاوت افکار عمومى قرار بـگیرد.قانون جدید باید طورى تدوین شود که مانع دخالت دستگاههاى اجرایى و همچنین هرج و مرج گردد.))(۴)  
  
    عکس العمل امام خمینى امـام خـمینى بـا بینش عمیق خود و آگاهى از این توطئه و در پاسخ به سخنان فـریبکارانه شـاه، سـیاست اعطاى آزادى فرمایشى از سوى شاه را حیله اى براى نجات رژیم برشمرده و در خرداد ماه ۵۷ فرمودند:  
  
    ((ایـن چه وضعى است که در ایران هست؟ این چه آزادى است که اعطا فرموده اند آزادى را؟ مـگر آزادى اعـطا شـدنى است؟ خود این کلمه جرم است، کلمه اینکه ((اعـطا کـردیم آزادى را)) این جرم است، آزادى مال مردم هست، قانون آزادى داده، خـدا آزادى داده به مردم، اسلام آزادى داده، قانون اساسى آزادى داده بـه مـردم ((اعطا کردیم)) چه غلطى است؟ به توچه که اعطا بکنى؟ تو چه کاره هستى اصلش؟ ((اعـطا کـردیم آزادى را بـر مردم)) !! آزادى اعطایى این است که مى بینید، آزادى اعـطایى که آزادى حقیقتا نیست این است که مى بینید، براى این است که مردم را اغفال کنند.))(۵)  
  
    ایـشان بـار دیـگر در مـهر ماه سال ۵۷ نیز ضمن غیر واقعى دانستن آزادىهاى اعـطایى شـاه مـى فرمایند ((مـا مى خواهیم آزاد باشیم، نه مثل آزادى که شاه مـى دهد، ایـن آزادى کـه شـاه بـه ما مى دهد، این براى خودش خوب است و براى عـأله خـودش خـوب اسـت، ایـن جـور آزادى! این آزادى که او مى دهد مثل این ((آشـتى)) کـه دولت مى کند همه اش خونریزى است! آزادى همه اش حبس است! همه اش زجر است.))(۶)  
  
    رژیـم در ادامـه بـاصطلاح اعـطاى آزادىهاى فوق، بازگشت کلیه ایرانیان ساکن خـارج از کـشور را به شرط احترام به قانون اساسى و استقلال کشور آزاد اعلام نـمود! و مـنوچهر آزمـون، وزیـر مشاور خاطرنشان کرد که آیت الله خمینى نیز مى تواند به ایران برگردد! ب:آزادى زنـدانیان و تـبعیدیها:سانسور و خـفقان شدید حاکم بر ایران زمینه دسـتیابى بـه آمـار دقـیق و قطعى زندانیان سیاسى و میزان محکومیت آنها را بـوجود نـمىآورد امـا در عـین حـال مـطبوعات غـربى زنـدانیان سیاسى که در زنـدانهاى شـاه، تـحت شدیدترین شکنجه ها قرار داشتند را بین سى هزار تا صد هـزار نـفر تـخمین مى زدند و شاه نیز به وجود بیش از سه هزار زندانى سیاسى اعتراف کرده بود.این علاوه بر افرادى است که در شهرهاى مختلف تبعید بودند.  
  
    دولـت شـریف امامى با سالوس تمام تصمیم به اصلاحات ظاهرى در شهریور سال ۵۷ وعده آزادى برخى از زندانیان سیاسى را اعلام مى نماید.  
  
    در فـاصله چـهارم آبـان مـاه تا نوزدهم آذر ماه ۵۷ بر اثر اعتراضات عمومى مـردم تعداد ۱۷۲۶ زندانى سیاسى آزاد شدند و در آغاز بکار دولت بختیار نیز ه ه۹ نفر دیگر آزاد شدند که این آمار شامل کسانى که در مراحل قبل و بعد از دو مـورد مـذکور و هـمچنین کـسانى کـه در روزهاى ۲۱ و ۲۲ بهمن پس از سقوط پایگاههاى رژیم به دست مردم آزاد شدند، نمى شود.(۸)  
  
    بـه دنـبال پخش خبر آزادى تعدادى از زندانیان سیاسى، امام خمینى در تاریخ ۵۷/۸/۳ طـى سـخنانى، مـردم را از سـازش با رژیم برحذر داشتند و آنرا راهى بـراى نجات رژیم قلمداد کردند و در بخشى از سخنان خود فرمودند:امروز اطلاع دادنـد کـه زنـدانیهاى سـیاسى را یک مقدارى آزاد کردند و مقدارى هم بناست آزاد شود، آیا ببینیم که این آزاد کردن جبران مى کند این مسأل را؟ یک نفر انـسان را ده سـال، پـنج سـال، کـمتر، بـیشتر از همه جهات ساقط کنند، همه آزادیـها را از او بـگیرند، در حـبس همه شکنجه ها و زجرها را به او بدهند، بـعدش بـگویند کـه شما آزادید!! خوب این پنج سال تضییع عمر یک انسان، پنج سال، ده سال زجر دادن به یک انسان به یک مسلم، اینها هیچ؟ حالا آزاد، تمام شـد قـضیه؟ با این که آزاد کردند یک عده اى از علما را و سایر طبقات را ما قـانع هـستیم؟ حـالا دیگر آرام باید بشود ملت؟ آشتى کردند آنها با ملت؟ یا ایـنکه جـو، یـک مـحیطى اسـت کـه برایشان دیگر امکان نمانده است که ادامه بـدهند، دسـت و پا مى زنند براى اینکه خودشان را از این محیط، جوى که تمام نـفوس بـر ضد آنها توجه پیدا کردند، با این دست و پا مى خواهند نجات بدهند خودشان ر، لکن آیا مى شود؟! قابل نجات اند اینها؟!)) (۹)  
  
    ج:آزادى فـعالیت احـزاب: شاه در دیـدار بـا هیئت رئیسه مجلس اعلام مى کند که بـراى رسـیدن به نظام دمکراتیک فعالیت احزاب لازم است.(۱۰)  
  
    و در تاریخ سوم مـهر مـاه ۵۷ انـحلال تشکیلات حزب رستاخیز اعلام مى گردد و نخست وزیر رژیم نیز شـرکت تـمام احزاب قانونى در انتخابات را آزاد اعلام مى نماید، همچنین شرکت مخالفان در انتخابات آزاد اعلام مى شود! قـبل از ایـن حـزب رستاخیز در بیانیه اى اعلام داشته بود که با ترور افکار، مـحدودیت قـلم و اخـتناق مبارزه مى شود و فضاى باز سیاسى نباید نمایش براى سرگرم کردن باشد!! در ایـن شـرأط کـه مـطبوعات اقدام به اعتصاب نموده بودند، امام خمینى با انـتشار پـیامى ضمن تشکر از آنه، ادامه کار مطبوعات را خواستار مى شوند و مرقوم مى دارند:((از متصدیان مطبوعات که زیر بار سانسور دیکتاتورى نرفتند، تـشکر مـى کنم و اکـنون کـه دولـت غیرقانونى جدید مدعى برداشت سانسور است، آقایان به کار ادامه دهند و از اعتصابات بیرون آیند تا تکلیف ملت یا دولت غیرقانونى معلوم شود.))(۱۱)  
  
    ـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــ  
    پی نوشتها  
  
    ۱ کوثر، ج اول، ص ۳۶۵  
  
    ۲ هفت هزار روز، ج دوم، ص ۸۵۳  
  
    ۳ همان، ص ۸۶۴  
  
    ۴ همان، ص ۸۶۶  
  
    ۵ صحیفه امام، ج سوم، ص ۶ه۴  
  
    ۶ همان، ج چهارم، ص ۶۲  
  
    ۷ کوثر، ج سوم، ص ۶۵  
  
    ۸ همان، ص ۶۶  
  
    ۹ صحیفه امام، ج ۴، ص ۱۴۸  
  
    ۱۰ هفت هزار روز، ج ۲، ص ۹۶۸  
  
    ۱۱ صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۵۲